

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی  
مقاله پژوهشی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۱، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۹۱ تا ۱۲۴  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷

## دامنه شمول استخوان و صدمات آن، مقدمه اجرای اصل تناسب مجازات دیه با مسئولیت

|محمدحسین شاکر اشتیجه\*| دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات و  
معارف اسلامی، دانشگاه آیت الله حائری (ره)، میبد، ایران  
|اردوان ارژنگ| دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج،  
یاسوج، ایران  
|عباس کلانتری خلیل آباد| دانشیار گروه فقه و حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی،  
دانشگاه یزد، یزد، ایران  
|حمید صدیقی آخا| دانش‌آموخته پزشکی قانونی، دانشکده پزشکی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

### چکیده

تناسب مجازات با میزان مسئولیت جانی در جنایت ارتكابی به‌عنوان یک اصل عقلایی در کتاب دیات است؛ به این معنا که میزان مسئولیت جانی در پرداخت دیه در جنایت شدیدتر بیش از جنایت خفیف‌تر باید باشد. اجرای این اصل نیاز به تدوین مقدماتی دارد که مباحث فقهی و حقوقی در کنار علم پزشکی می‌توانند به تعیین مناسب‌ترین مجازات براساس میزان مسئولیت جانی بپردازند. صدمات استخوانی به‌عنوان یکی از موضوعات کتاب دیات بوده و اجرای اصل تناسب در آن نیازمند تعریف دقیق صدمات استخوانی و دامنه شمول هر یک از عناوین استخوان‌ها و صدمات احصاشده است. هرچند در فقه، دیه برخی صدمات استخوانی ذکر شده، لکن با پیشرفت علم، صدمات استخوانی زیادی در علم پزشکی با کمک تصویربرداری ذکر شده که تطبیق صدمات پزشکی با فقه و حقوق، نیازمند تعیین دامنه شمول استخوان‌ها و تعریف صدمات مذکور در متون روایی به‌عنوان موضوع احکام و سپس تطبیق صدمات در علم پزشکی با آن است. مطابق قانون آیین

دادرسی کیفری، بازپرس برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب، صدمات جسمی، ملزم به اخذ نظر پزشک قانونی یا دعوت از وی حسب مورد است.

در متون روایی - فقهی و نیز حقوق موضوعه، حکم بر عنوان استخوان که شامل تمام قسمت‌های آن است حمل شده، در حالی که با مراجعه به رویه پزشکی قانونی در صدور گواهی‌ها، شاهد اتخاذ برخی تصمیمات متفاوت از آنچه در متون فقهی و حقوقی ذکر شده است، هستیم. همچنین در علم پزشکی قریب به بیست نوع صدمه برای استخوان تصور شده، ولی صدمات استخوانی در فقه با عناوین بسیار محدودتری ذکر شده است. تطبیق صدمات استخوانی از منظر پزشکی با فقه در قالب جدولی صورت گرفته که این تطبیق می‌تواند در حکم به مجازات متناسب با میزان مسئولیت جانی با تعیین جایگاه شدت صدمه براساس صدمات مذکور در فقه به‌عنوان شاخص، مورد استفاده تطبیقی قاضی در صدور احکام یا بررسی فعالانه گواهی‌های پزشکی قانونی قرار گیرد. این نوشتار به صورت کتابخانه‌ای به بررسی چگونگی تطبیق دامنه شمول استخوان و مفهوم صدمات آن از منظر پزشکی با فقه و حقوق موضوعه به‌عنوان مقدمه اجرای اصل تناسب مجازات با میزان مسئولیت در دیه صدمات استخوان پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** استخوان، صدمات استخوان، دامنه شمول استخوان، تناسب مجازات با میزان مسئولیت.

## مقدمه

جبران صدمات مربوط به استخوان مورد توجه شارع مقدس بوده و در متون روایی، صدمات استخوانی با عناوین متفاوت ذکر شده است. قانون مجازات اسلامی براساس منابع معتبر شرعی به تعیین میزان جبران خسارت صدمات استخوان در قالب ضابطه و در پاره‌ای موارد به صورت مصدافی پرداخته و مقنن در ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس را برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب و صدمات جسمی، ملزم به اخذ نظر پزشک قانونی یا دعوت از وی حسب مورد کرده است. حتی اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، نسبت به دعوت از پزشک متخصص معتمد اقدام می‌کند که حکایت از توجه ویژه به نظرات پزشکی در تطبیق صدمه با عناوین مذکور در قانون و در مرحله بعد تعیین جبران خسارت وارده برای هر یک از صدمات توسط قاضی براساس متون قانونی دارد. اداره حقوقی قوه قضائیه در سؤالی به این مضمون که «برای تعیین ارزش درمورد جراحات آیا می‌توان قضات باسابقه را به‌عنوان کارشناس انتخاب نمود یا خیر؟» در نظریه شماره ۷/۵۴۳۳ مورخ ۱۳۷۱/۱۱/۲۴ چنین مقرر داشته

است: «در تعیین ارش برای جراحات جسمانی افراد پزشک به عنوان کارشناس می‌تواند اظهار نظر کند. در این صورت چنانچه در محل، پزشک قانونی حضور داشته باشد از وجود او و الا از رئیس بهداری و یا سایر اطبای حاضر در محل با قید اتیان سوگند و تفهیم مقررات کارشناسی می‌توان یاری خواست. اظهار نظر قضات با سابقه به عنوان کارشناس در این خصوص محمل قانونی ندارد.» اداره مذکور در نظر دیگری به شماره ۷/۱۰۲۴۶ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۱۵ در خصوصیات کارشناس تعیین‌کننده ارش مقرر داشته است: «کارشناسی که ارش را تعیین می‌نماید باید اطلاع کافی از فیزیولوژی بدن انسان و کالبدشکافی و به هر حال استخوان‌بندی داشته باشد و پزشک است که این خصوصیات را دارد». بنابر این نظریه در تعیین دیه و ارش نمی‌توان به نظر قضات براساس تجربه ایشان بسنده کرد و حتی در صورتی که قاضی نظریه پزشک قانونی را رد کند لازم است دلایل موجه را ذکر کند که در این مورد با خلأ قانونی و نیز پژوهشی برای امکان تطبیق نظر پزشک قانونی با آن توسط مقام قضائی روبه‌رو هستیم. برای تطبیق صدمه با عناوین مذکور در قانون لازم است ابتدا مفهوم هریک از این صدمات تبیین شود که این مهم توسط فقیه صورت پذیرفته یا واگذار به لغت کرده است. حکم جبران خسارت صدمات استخوانی در فقه بر عنوان استخوان‌ها به تفکیک حمل شده است. بنابراین دامنه شمول استخوان به منظور حمل حکم بر آن بر مبنای تعریف فقه و لغت خواهد بود و ممکن است یک عنوان فقهی از چندین جزء استخوان کوچک تشکیل شده که هر کدام از آن اجزاء در علم پزشکی با عنوان خاصی نامیده شده باشند. بررسی موردی صدمات استخوان در پژوهش‌های مختلفی صورت پذیرفته است. برخی محققان در پژوهش‌هایی صدمه شکستگی را از منظر تطبیقی فقه، حقوق موضوعه و رویه صدور گواهی پزشکی قانونی بررسی کرده‌اند (ساریخانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۶۵-۱۸۶؛ شاکر و همکار، ۱۳۹۵: ۳۲۵-۳۳۱). بای و همکار صدمه خردشدگی را در تحقیقی بررسی کرده‌اند (بای و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۱-۱۹۲). شاکر و همکار صدمه دررفتگی را در تحقیقی بررسی کرده‌اند (شاکر و دیگران، ۱۳۹۵: ۷-۳۹). تمامی این تحقیقات به بررسی یک صدمه پرداخته و ناظر به یک عنوان فقهی بوده، در حالی که صدمات با پیشرفت علم پزشکی با عناوین جدیدی نام‌گذاری شده و لازم است این عناوین فقهی تطبیق داده شود، ضمن اینکه صدمات از حیث مفهوم و دامنه شمول با یکدیگر مقایسه شوند. از طرف دیگر با پیشرفت علم آناتومی، اسامی متفاوتی در اجزای مختلف یک استخوان ایجاد شده، به گونه‌ای که مثلاً استخوان کف دست که متشکل از پنج جزء است هر یک از اجزاء به صورت جداگانه نام‌گذاری شدند و علم پزشکی قانونی برخورد متفاوتی در صدمه یکسان وارده بر هر یک از این اجزاء که در فقه با نام واحد نامیده شده، داشته است. از همین رو لازم است منظور فقیه از

دامنه شمول یک عنوان مورد مذاقه قرار گیرد و با ارائه یک ضابطه حتی در موارد ارش نیز از آن تبعیت شود. شاکر و دیگران در تحقیقی (شاکر و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۳-۴۲) بدون تعریف دقیق از مفهوم و تعیین دامنه شمول استخوان و صدمات آن به پیاده‌سازی ضابطه تناسب صدمات استخوان و میزان جبران خسارت پرداخته‌اند که می‌توان تحقیق پیش‌رو را به‌عنوان پیش‌نیاز آن دانست، چراکه بستر لازم برای پیاده‌سازی ضابطه تناسب مجازات با میزان مسئولیت جانی در جنایت ارتكابی، شناخت مفهوم و تعیین دامنه شمول استخوان و صدمات آن است. با این تطبیق، پس از تعیین جایگاه هر یک از صدمات از حیث شدت، می‌توان مجازات متناسب صدمات فاقد دیه مقدر را به گونه‌ای که بیشتر از دیه صدمه خفیف‌تر و کم‌تر از دیه صدمه شدیدتر باشد تعیین کرد. هرچند ممکن است برخی مطالب این نوشتار در تحقیقات مذکور موجود باشد و لکن این تحقیق برای اولین بار به تبیین جامع موضوع مستند به متون فقهی، لغتی و پزشکی پرداخته و نتایج آن را در قالب جدولی جامع ارائه داده است.

در این نوشتار ضمن بررسی مفهوم و دامنه شمول استخوان (نک: بند ۱) به بررسی مفهوم و دامنه شمول صدمات استخوان (نک: بند ۲) پرداخته شد و در هر مرحله بررسی تطبیقی پزشکی با فقه نیز صورت پذیرفت و در پایان نتایج و پیشنهاداتی را برای تسهیل و یکسان‌سازی اجرایی ارائه شده است.

## ۱. مفهوم و دامنه شمول استخوان

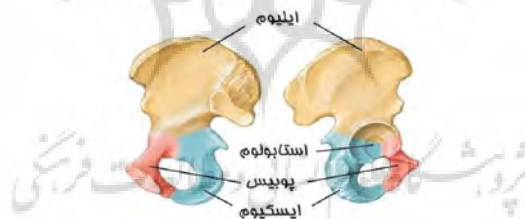
استخوان از منظر پزشکی و فقه به‌عنوان موضوع احکام و برای تعیین دامنه شمول آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. کاربرد اصلی این بررسی، هنگامی است که یک واژه استخوان دربرگیرنده چندین استخوان است و آن واژه به‌عنوان موضوع حکم قرار می‌گیرد، در حالی که برای هر یک از اجزای آن نیز عنوان خاصی وجود دارد و در رویه پزشکی قانونی، مورد توجه برای صدور گواهی قرار گرفته باشد. برای مثال به تعریف استخوان لگن از منظر فقه که در علم پزشکی با چندین جزء مستقل نام‌گذاری شده است خواهیم پرداخت.

### ۱-۱. پزشکی

استخوان ماده سفت و سخت و الاستیکی است که استخوان‌بندی جانوران مهره‌دار را تشکیل می‌دهد و اصولاً از املاح کلسیم ترکیب یافته است (دورلند، ۱۳۸۵: ۱۵۱). در علم پزشکی هر یک از استخوان‌های بدن حتی کوچک‌ترین آن‌ها با عنوانی از سایر استخوان‌ها متمایز می‌شوند.

ممکن است برخی استخوان‌ها، متشکل از چندین استخوان باشند که علاوه بر صدق عنوان کلی استخوان بر هر یک از اجزاء، دارای نام مخصوص خود هم هست. کتب آناتومی به دسته‌بندی استخوان‌های بدن پرداخته‌اند که در ادامه به بررسی استخوان لگن از کتاب آناتومی گری (ریچارد ال دریک و دیگران، ۱۳۹۳) می‌پردازیم.

پلوئیس<sup>۱</sup> یا لگن خاصره یک ساختمان حلقوی شکل است که در پایین تته قرار گرفته است و ارتباط اندام‌های تحتانی را با تته برقرار می‌کند. لگن از بالا به ستون فقرات و در پایین به استخوان‌های ران متصل می‌شود. پلوئیس از سه استخوان تشکیل شده است. دو استخوان کاملاً هم‌شکل ولی قرینه و به شکل نیم‌دایره به نام استخوان‌های بی‌نام<sup>۲</sup> در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. استخوان بی‌نام خود از سه قسمت به نام‌های ایلیم<sup>۳</sup>، ایسکیوم<sup>۴</sup> و پویس<sup>۵</sup> تشکیل شده است. این سه قسمت در بچه‌ها در واقع سه استخوان جدا هستند که در کنار هم قرار گرفته و در بین آن‌ها صفحه رشد قرار گرفته است. حفره استابولوم قسمتی از استخوان بی‌نام است که با نزدیک شدن به سر استخوان ران، مفصل ران را درست می‌کند. مفصل ران، پلوئیس را به اندام تحتانی متصل می‌کند. حفره استابولوم دقیقاً در محل اتصال سه قسمت ایلیم، ایسکیوم و پویس استخوان بی‌نام قرار دارد. بنابراین حفره استابولوم درحقیقت از هر سه استخوان ایلیم، ایسکیوم و پویس تشکیل شده و به‌عنوان استخوان مجزایی همانند سه استخوان پیش گفته نیست و حسب مورد تحت یکی از عناوین سه‌گانه قرار خواهد داشت.



## ۲-۱. فقه

در کتب فقهی برای استخوان از واژه عظم استفاده می‌شود. در آیه ۲۳ سوره مؤمنون و در تشریح خلقت بهترین مخلوقات می‌خوانیم: «فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا»؛ بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم. این

1. Pelvis
2. innominate bone
3. Ilium
4. Ischium
5. Pubis

آیه نشانه استخوان را پوشانده شدن با گوشت دانسته است. می‌توان گفت بر مبنای همین آیه برخی لغویون در تعریف استخوان، پوشانده شدن آن را با گوشت آورده‌اند (واسطی، ۱۴۱۴/۱۷: ۴۸۸؛ عبدالرحمان: ۲/بی تا: ۵۱۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴/۱۲: ۴۱۰).

در بدن انسان، بالغ بر ۲۰۶ قطعه استخوان وجود دارد. عنوان عظم بر تمامی استخوان‌های بدن صادق است و در صورتی که حکم بر عنوان عظم شده باشد شامل تمامی استخوان‌های بدن خواهد بود. در متون روایی و فقهی، استخوان‌های زیادی از بدن با عناوین متفاوت از یکدیگر متمایز شدند و احکام مخصوص خود را دارند. ممکن است یک استخوان مشخص در فقه، از چندین جزء تشکیل شده باشد که در این صورت حکم فقهی بر تمامی اجزای آن صادق خواهد بود.

لگن در زبان عربی «وَرَك» نامیده می‌شود. اهل لغت (واسطی، ۱۴۱۴/۱۳: ۶۶۳؛ طریحی، ۱۴۱۶/۵: ۲۹۷؛ فیومی، ۲/بی تا: ۶۵۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴/۱۰: ۵۰۹؛ جزری، ۵/بی تا: ۱۷۶؛ زمخشری، ۱۴۱۷/۳: ۳۵۷؛ ابوالحسین، ۱۴۰۴/۶: ۱۰۳؛ جوهری، ۱۴۱۰/۴: ۱۶۱۴؛ فراهیدی، ۱۴۱۰/۵: ۴۰۳؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴/۶: ۳۲۲). در تعریف وَرَك مقرر داشته است: «ما فوق الفخذ» (ترجمه: وَرَك به معنی بعد از ران است). هنگامی که گفته می‌شود: «در شکستن لگن» یعنی استخوانی که در لگن است. بنابراین بعد از اتمام استخوان در ران تا استخوان بعدی که نامی غیر از استخوان در ورک داشته است، به عنوان استخوان در ورک تعیین شد و در دامنه شمول احکام آن قرار خواهد داشت. در متون روایی و فقهی، استخوان بعد از استخوان در ورک با عنوان ظهر یا صلب ذکر شده که همان ستون فقرات است و تا استخوان‌های دنبالچه (عصص) ادامه دارد.



ممکن است این ایراد گرفته شود که مطابق متون لغت که ورک را «ما فوق الفخذ» دانسته‌اند منظور قسمت انتهایی استخوان ران یا به عبارتی سر استخوان ران است که به شکل گرد بوده است.

در پاسخ گفته می‌شود با مراجعه به متون لغت و فقه (عاملی، ۱۴۱۰ق: ۴۵۰؛ واسطی، ۱۴۱۴/۱۳ق: ۶۶۳؛ فیومی، ۲/بی تا: ۶۵۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴/۹ق: ۲۹۴) که در تعریف ورک آمده است: «ما فوق الفخذ كالكتف فوق العضد» درمی‌یابیم که این متون ورک را به کتف تشبیه کرده و در تعریف کتف، عبارت «فوق العضد» را آورده‌اند، در حالی که مطابق مطلب مذکور در ایراد، لازم است منظور از فوق العضد همان استخوان گرد انتهای بازو باشد! بنابراین می‌توان دریافت که ترجمه مذکور برای ورک که آن را به معنای استخوان لگن دانستیم موافق اهل لغت است. همان‌گونه که در تصویر زیر مشاهده می‌شود استخوان کتف همان استخوان بعد از بازوست که در کنار بازو نیز هست.



### ۳-۱. بررسی تطبیقی از منظر پزشکی با فقه

هرچند در فقه استخوان‌هایی که در بردارنده چندین استخوان بوده تنها با یک نام کلی به‌عنوان موضوع احکام ذکر شده است، لکن علم پزشکی برای هر یک از استخوان‌های جزء نیز یک نام مجزا تعیین کرده است. در صورتی که اگر فقه، حکمی را بر یک استخوان که متشکل از چندین استخوان بوده حمل کند، آن حکم بر تمامی اجزاء صادق خواهد بود. برای نمونه هنگامی که در فقه برای صدمه مشخصی در استخوان ورک (لگن) حکمی ذکر شده باشد، این حکم بر تمامی استخوان‌های لگن که شامل ایلیوم، ایسکیوم و پوبیس است به صورت یکسان جاری خواهد بود. به‌منظور عملیاتی‌سازی این تطبیق، جبران خسارت صدمه شکستگی استخوان لگن را از منظر فقه که در قانون بازتاب یافته است و رویه پزشکی قانونی، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ماده ۶۵۰ ق.م.ا. برای هر یک از کپل‌ها نصف دیه کامل را در نظر گرفته و ماده ۵۶۹ ق.م.ا. در صدمه شکستگی لگن، در صورت عدم بهبود ۱۰ درصد و در صورت بهبود ۸ درصد دیه کامل را مقرر کرده است. با مراجعه به متون روایی که روایت ظریف به‌عنوان کامل‌ترین روایت تعیین میزان

دیه صدمات استخوانی است در صدمات مربوط به استخوان لگن می‌خوانیم: «دیه شکستن لگن با بهبودی کامل یک پنجم دیه پا می‌باشد. دیه ترک برداشتن آن ۸۰ دینار، دیه موضعه آن ۲۵ دینار، دیه در رفتگی آن ۵۰ دینار، و دیه جدا شدن (فک) آن ۳۰ دینار، و دیه کوبیدگی با عدم بهبودی سیصد و سی دینار و یک سوم دینار می‌باشد» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۳۳۸). حقوق کیفری موضوعه و روایت ظریف، احکام مذکور را بر استخوان لگن، که در بردارنده تمامی اجزای در دامنه شمول این عنوان است، حمل کرده و تفاوتی میان آن‌ها قائل نشده است.

تفاوت رویه پزشکی قانونی با حکم فقه (قانون) را می‌توان مطابق جدول زیر ترسیم کرد.

عنوان استخوان	استخوان‌های زیرمجموعه	حکم فقه (و قانون) در صدمه شکستگی	رویه پزشکی قانونی (عابدی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۸) در صدمه شکستگی بهبودیافته
لگن	ایلوم، ایسکیوم و پویس	میزان جبران خسارت به صورت یکسان در تمامی استخوان‌های تحت دامنه شمول لگن تعیین می‌شود.	استابولوم ۸٪
			ایلوم ۴٪
			ایسکیوم ۴٪
			پویس ۴٪

از آنجا که آسیب وارده به هر کدام از استخوان‌های لگن، عرفاً به‌عنوان آسیب وارد بر لگن مطرح می‌شود و در نظر عرف تفاوتی میان اجزای مختلف استخوان لگن نبوده، لذا نباید تفاوتی میان تعیین جبران خسارت شکستگی قسمت‌های مختلف استخوان لگن وجود داشته باشد.

می‌توان مشابه این حکم را در عناوین استخوان‌های انگشت پا، انگشت دست، دنده، ستون فقرات نیز یافت که هر یک از استخوان‌های مذکور در بردارنده چندین استخوان است، لکن جبران خسارت هر یک از اجزای استخوان‌های مذکور به صورت یکسان است. قانون مجازات در مواد ۵۶۹ و ۶۵۳ و ۶۵۴ و ۶۴۷ به بیان میزان جبران خسارت صدمات این استخوان‌ها پرداخته و مطلبی در مورد تفاوت میان اجزای هر یک از استخوان‌های مذکور مقرر نداشته است. نتیجه اینکه حتی از روح قانون مجازات اسلامی نیز حکم به تساوی میزان مسئولیت در جبران خسارت صدمه در تمامی اجزای در دامنه شمول یک استخوان به‌عنوان موضوع حکم به دست می‌آید.



می توان بررسی تطبیقی را به منظور کشف اختلاف در سایر استخوان ها از جمله مچ دست که در گواهی های صادره از پزشکی قانونی شاهد تفاوت در تعیین میزان جبران خسارت یک صدمه در قسمت های مختلف مچ دست بوده است انجام دهیم.



پزشکی قانونی مطابق آنچه در کتاب ارش و دیه (عابدی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۸) ذکر شده برای جبران صدمه شکستگی بهبود یافته بدون عیب استخوان های مختلف مچ دست به شیوه واحد، گواهی صادر نمی کند. در استخوان اسکافوئید، ۵ درصد دیه کامل و در استخوان لونت، ۳ درصد دیه کامل و در سایر استخوان های مچ دست، ۲ درصد دیه کامل را به عنوان جبران خسارت تعریف کرده است.

بر اساس آنچه از روح قانون و نیز مذاق شارع مقدس در عدم تفاوت میزان جبران خسارت در صدمه قسمت های مختلف یک استخوان بیان شد لازم است در صدمه شکستگی تمامی استخوان های مچ دست به صورت یکسان نسبت به تعیین جبران، خسارت پرداخته شود.

موضوع دیگری که مناسب است به آن پرداخته شود اینکه استخوان های ریز یا فرعی در بدن وجود دارد که به عنوان اسکلت اصلی و قوام بدن محسوب نمی شوند. آیا این گونه استخوان ها را که قوام عضو به آن نیست می توان همانند استخوان های اصلی به شمار آورد؟ برای مثال استخوان ناویکولر فرعی که در برخی افراد وجود دارد. به نظر با مراجعه به عرف برای تشخیص این موضوع می توان گفت عرف هیچ گاه حکم به برابری استخوان اصلی یک عضو با استخوان های کوچکی که در همان عضو بوده نمی دهد. به منظور عدم تضییع حق مجنی علیه، در این خصوص لازم است اقدام به تعیین ارش کرد.

با تعیین دامنه شمول استخوان می‌توان اصل تناسب مجازات با میزان مسئولیت را در اعضای فاقد دیه مقدر نیز اجرا کرد. مثلاً کف دست فاقد انگشت به‌عنوان یک عضو فاقد دیه مقدر است. با تعیین دامنه شمول استخوان‌های کف دست و سپس تعیین ارزش قطع آن می‌توان براساس ماده ۴۴۹ ق.م.ا. که مقرر می‌دارد: «... مقررات دیه مقدر در مورد ارزش نیز جریان دارد مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود» نسبت به اجرای احکام صدمات استخوانی مطابق با نسبت‌های مطابق با نسبت‌های تعیین شده در ماده ۵۶۹ ق.م.ا. و سایر مواد مرتبط اقدام کرد. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که شیوه‌نامه‌های ابلاغی پزشکی قانونی به گونه متفاوتی از اصل تناسب و ماده ۴۴۹ ق.م.ا. عمل می‌کنند. پزشکی قانونی برای قطع کف دست فاقد انگشت، ارزش معادل ۲۵ درصد دیه کامل در نظر می‌گیرد و برای شکستگی هر یک از استخوان‌های کف دست، در صورتی که درمان شود ارزش معادل ۲ درصد دیه کامل و در صورتی که درمان نشود یا با عیب درمان شود ارزش معادل ۳ درصد دیه کامل در نظر گرفته است. اگر ماده ۵۶۹ ق.م.ا. را براساس اصل تناسب و به کمک ماده ۴۴۹ ق.م.ا. به ارزش تعمیم دهیم برای دیه شکستگی با عیب یا بدون درمان، ارزش معادل ۵ درصد دیه کامل و در صورت درمان شکستگی، ارزش معادل ۴ درصد دیه کامل در نظر خواهیم گرفت که پیشنهاد می‌شود مقنن قسمت ابتدای ماده ۵۶۹ ق.م.ا. را به این قرار اصلاح کند: «دیه شکستن، ترک برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو به شرح زیر است: ...». با این اصلاح، اعضای دارای ارزش نیز در دامنه شمول ماده مذکور قرار می‌گیرند.

## ۲. مفهوم و دامنه شمول صدمات استخوان

علم پزشکی با توجه به پیشرفت‌های جدید در تصویربرداری به دسته‌بندی انواع صدمات استخوانی پرداخته و در برخی موارد چندین صدمه را به‌عنوان زیرمجموعه یک صدمه واحد معرفی کرده است. می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده این دسته‌بندی‌ها به صورت متفاوتی از زمان حاضر خواهد بود. گستردگی عناوین صدمات استخوانی در پزشکی با آنچه در متون فقهی به‌عنوان موضوع احکام بوده نیازمند تبیین و تطبیق است که در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

### ۲-۱. شکستگی

#### ۲-۱-۱. پزشکی

شکستگی به‌صورت گسیختگی‌های کامل یا ناکامل در تمامیت استخوان تعریف و براساس نوع و وسعت صدمه طبقه‌بندی می‌شود. شکستگی‌ها ممکن است در اثر ضربه مستقیم، نیروی

له‌کننده، حرکات چرخشی ناگهانی و حتی انقباض شدید عضلات ایجاد شوند (برونر و سودارث، ۱۳۹۰: ۱۴۲). شکستگی استخوان به اشکال مختلفی رخ می‌دهد. انواع شکستگی مطابق متون آناتومی (جان کرا و دیگران، ۱۳۷۷: ۹؛ اعلمی هرندی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۸ و ۴۹؛ برونر و سودارث، ۱۳۹۰: ۱۳۸) بدین شرح است. هرچند مطابق متون فقهی و لغت برخی از این انواع در دامنه شمول صدمات استخوانی غیر از شکستگی است، لیکن به جهت رعایت امانت در دسته‌بندی انواع صدمه شکستگی از منظر پزشکی، تمامی موارد ذکر شده و تعریف صدماتی که در نوع دیگر صدمات استخوان قرار دارد در بند مربوطه با ذکر شماره آن انجام خواهد شد.

- شکستگی ترک برداشتن<sup>۱</sup>: تعریف و بررسی این صدمه در بند ۲-۲ انجام خواهد شد.
- شکستگی استرس<sup>۲</sup>: تعریف و بررسی این صدمه در بند ۲-۱۰ انجام خواهد شد.
- شکستگی ترکه تری<sup>۳</sup>: تعریف و بررسی این صدمه در بند ۲-۲ انجام خواهد شد.
- شکستگی درهم فرو رفته<sup>۴</sup>: در این نوع شکستگی قطعات شکسته در هم فرو می‌روند. این شکستگی بیشتر در استخوان‌های اسفنجی دیده می‌شود.
- شکستگی فشرده<sup>۵</sup>: تعریف و بررسی این صدمه در بند ۲-۳ انجام خواهد شد.
- شکستگی عرضی<sup>۶</sup>: این شکستگی عرضی است و عمود بر محور طولی استخوان است. این نوع شکستگی معمولاً پایدار است.
- شکستگی مایل<sup>۷</sup>: خط شکستگی مایل و شکستگی غالباً ناپایدار است.
- شکستگی مارپیچی<sup>۸</sup>: خط شکستگی مارپیچی و جوش خوردن آن سریع‌تر از دو نوع قبلی است.

- کنده شدن استخوان<sup>۹</sup>: این صدمه در بند ۲-۶ بررسی خواهد شد.
- شکستگی چند تکه‌ای<sup>۱۰</sup>: تعریف و بررسی این صدمه در بند ۲-۳ انجام خواهد شد.

- 
1. hair line fracture
  2. stress fracture
  3. greenstick fracture
  4. impacted fracture
  5. compression fracture
  6. transverse fracture
  7. oblique fracture
  8. spiral fracture
  9. avulsion fracture
  10. comminuted fracture

- شکستگی چندقطعه‌ای<sup>۱</sup>: استخوان در چند نقطه شکسته است (معمولاً دو نقطه). این شکستگی را باید از شکستگی چند تکه‌ای مجزا دانست.
- شکستگی سگمنتال زمانی پدید می‌آید که دو خط مجزای شکستگی در دو نقطه جدا از یکدیگر ایجاد شود (میرزا طلوعی و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۲۴).
- شکستگی داخل مفصلی<sup>۲</sup>: این صدمه در بند ۲-۲ بررسی خواهد شد.
- شکستگی دررفتگی<sup>۳</sup>: این شکستگی همراه با دررفتگی مفصل است؛ مثل شکستگی دررفتگی مفصل ران.

### ۲-۱-۲. فقه

صدمه شکستگی در فقه با واژه کسر بیان شده است. کسر به معنای از بین رفتن اتصال استخوان آمده است (ابن عرفه، بی تا: ۶۱۹) در جای دیگر به معنای جدا شدن قسمتی از قسمت دیگر آمده است (صدر، ۱۴۲۰/۸ ق: ۵۱۴).

براساس تعاریف مذکور می‌توان شاخص جدا شدن بافت را به عنوان معیار تشخیص شکستگی تعیین کرد یا به عبارتی در صدمه شکستگی، جداشدنی در محل صدمه استخوان حاصل شده که هیچ اتصالی میان استخوان محل ضربه باقی نمانده است. در تعریف شکستگی حقیقت شرعیه و متشرعه شکل نگرفته، لذا تعریف آن بر عهده عرف بوده و تنها حالتی که عرف، جدا شدن براساس شاخص فوق (انفصال کامل) را تشخیص داده است به عنوان شکستگی محاسبه می‌شود. در پزشکی شکستگی در دسته‌بندی‌های کامل و ناکامل تعریف شده که تعریف سابق ناظر بر شکستگی کامل یا همان صدمه‌ای است که عرف آن را شکستگی دانسته و فقه شکستگی ناکامل را با عنوان صدع به معنای ترک برداشتن نامیده است.

### ۲-۱-۳. بررسی تطبیقی از منظر پزشکی با فقه

مطابق بندهای فوق می‌توان در تحقق شکستگی دو شاخص را ذکر کرد: اول اینکه انفصال بافت استخوانی به صورت کامل محقق شده باشد. لذا اگر انفصال به صورت ناکامل بوده یا از مفصل باشد در دامنه شمول صدمه شکستگی قرار نمی‌گیرند. دوم اینکه تشخیص این صدمه

---

1. segmental fracture  
2. intraarticular fracture  
3. dislocation fracture

براساس نظر عرف باشد. به عبارتی عرف با دیدن تصویر صدمه، حکم به انفصال کامل بدهد که تشخیص صدمه شکستگی با تکیه بر مقیاس عرفی مذکور بر عهده کارشناسان پزشکی قانونی خواهد بود، چراکه ممکن است عرف از تصویر استخوان، پی به صدمه حاصله نبرد و این ناشی از عدم آشنایی برای کشف صدمه از روی تصویر آن بوده به گونه‌ای که اگر برای عرف هم تشریح شود صدمه را تشخیص خواهد دهد.

در مورد این که با تحقق کدام یک از انواع شکستگی مذکور در بند ۱-۲ شکستگی از منظر فقه نیز محقق شده است می‌توان دسته‌بندی زیر را ارائه کرد:

الف) شکستگی درهم رفته: هرچند در این نوع شکستگی استخوان‌ها درهم فرو می‌روند، اما ابتدا انفصال کامل میان استخوان ایجاد شده است و درحقیقت صدمه حاصل را می‌توان با شکستگی منطبق دانست. تحقق صدمه شکستگی در این نوع صدمه قطعی است، لیکن احتمال تحقق صدمه دیگر هم وجود دارد که در بند مربوط به صدمه خردشدگی بیان خواهد شد.

ب) شکستگی‌های عرضی، مایل و مارپیچی را می‌توان منطبق با صدمه شکستگی در فقه و لغت دانست. در این صدمات، انفصال کامل حاصل شده است، منتهی انفصال از حیث ظاهری با یکدیگر متفاوت هستند.

ج) شکستگی چند قطعه‌ای: در این صدمه چند شکستگی ایجاد می‌شود و از آنجا که این انفصال‌ها با فاصله و در نقاط مجزا بوده این صدمه در دامنه شمول شکستگی قرار دارد و حسب تعداد شکستگی‌ها حکم به جبران خسارت خواهد شد. برخی (صرافان و دیگران، ۸۴: ۴۰) شکستگی چند قطعه‌ای را در دامنه شمول صدمه خردشدگی دانسته‌اند که دارای ایراد است. سازمان پزشکی قانونی در برخی از استخوان‌ها به بیان میزان جبران خسارت این صدمه پرداخته است، لکن میزان جبران خسارت را تقریباً یک و نیم برابر شکستگی ساده دانسته است (عابدی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۸)، در حالی که در این صدمه لازم است براساس تعداد شکستگی‌ها حکم به تعیین جبران خسارت کرد.

د) در صدمه شکستگی دررفتگی دو صدمه واقع شده است. صدمه شکستگی در کنار صدمه دررفتگی واقع شده است که بر هر صدمه حکم مخصوص آن حمل خواهد شد. در تعریف این صدمه خواندیم که این شکستگی همراه با دررفتگی مفصل است. در این صدمه، دررفتگی جداگانه بررسی می‌شود و دبه دارد.

سایر اقسام شکستگی که ذکری از آن‌ها در مقام تطبیق در این بند نیامده است در بندهای بعدی بررسی خواهد شد که نشان از عدم تطبیق با شکستگی از منظر فقه و لغت دارد.

برخی حقوقدانان، شکستگی را به معنای تکه‌تکه شدن دانسته‌اند (مصدق، ۱۳۹۹: ۷۷). برخی دیگر قائلند که اگر در عضوی یک یا دو شکستگی وجود داشته باشد اصطلاحاً به آن شکستگی و به بیش از سه شکستگی در اصطلاح، خردشدگی گفته می‌شود (عابدی، ۱۴۰۰: ۸۰). برخی دیگر (زراعت، ۱۳۹۶: ۳۰۳) تبدیل استخوان به دو یا چند تکه را شکستگی دانسته‌اند. برخی حقوقدانان تنها به ذکر احکام دیه یا ارش صدمات استخوان پرداخته و مذاقه‌ای در تعریف صدمات نداشته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۲۳۵-۲۳۷). تعریف اول را نمی‌توان درست دانست، چراکه برای تحقق شکستگی لازم نیست استخوان تکه تکه شود، بلکه با انفصال بافت استخوانی در یک قسمت نیز شکستگی محقق است. علاوه بر اینکه این تعریف نمی‌تواند دربردارنده انواع صدمات شکستگی براساس تعریف پزشکی باشد. در تعریف دوم علاوه بر نقص در تعیین حکم سه شکستگی، منظور خود را از تعاریف اصطلاحی مشخص نکرده که آیا این تعریف براساس پزشکی قانونی یا اداره کل آموزش قوه قضائیه یا ... است. نکته جالب اینکه این دو حقوقدان از مسئولان قضائی هستند که نیاز است دستگاه قضا در کتاب‌های آموزشی خود، رویه واحدی را در تعریف یا حکم موضوعات به منظور پرهیز از تشتت آراء اتخاذ کند. تعریف سوم نیز به دلیل اینکه چند تکه شدن استخوان می‌تواند به عنوان صدمه خردشدگی باشد دربردارنده سایر صدمات است و مانع شمول سایر صدمات نیست.

## ۲-۲-۲. ترک برداشتن

### ۲-۲-۲.۱. پزشکی

ترک، شکستگی‌ای است که روی فیلم رادیوگرافی، خط مویی ظریف را روی استخوان نشان می‌دهد. به عبارت دیگر شکستگی ناکاملی که تنها قسمتی از مقطع عرضی استخوان دچار گسیختگی می‌شود (برونر و سودارث، ۱۳۹۰: ۱۳۸). بنابراین تا هنگامی که استخوان به صورت کامل از مقطع عرضی یا طولی جدا نشده باشد مشمول صدمه ترک برداشتن است.

### ۲-۲-۲.۲. فقه

ترک برداشتن با واژه صدع در فقه و کتب لغت ذکر می‌شود. صدع به معنای شکافتن و شقه شدن است (قرشی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۵). صدع به معنی شکافتن چیزی که محکم است نیز در کتب

(راغب، ۱۴۱۲ق: ۴۷۸؛ حمیری، ۱۴۲۰ق: ۳۷۰۲؛ واسطی، ۱۴۱۴ق: ۲۶۴) لغت تعریف شده است. در شکاف شاهد انفصال کامل نیستیم، بلکه هنوز اتصالی میان اجزاء وجود دارد و همین نکته تفاوت میان شکستگی و ترک برداشتن است. صدع یکی از صدمات وارده بر استخوان است و با توجه به معانی مذکور در کتب لغت، می‌توان گفت منظور از صدع استخوان همان ترک برداشتن استخوان، مو برداشتن، شکافته شدن یا عناوین مشابه است که جدایی به صورت کامل نیست. این تعریف مورد توجه برخی حقوقدانان بوده و ترک برداشتن را شکستگی ای دانستند که در بخشی از مقطع استخوان واقع شده است. (عابدی، ۱۴۰۰: ۸۲).

## ۲-۳. بررسی تطبیقی

در علم پزشکی این صدمه تحت یکی از انواع شکستگی بیان شده و به آن شکستگی ترک برداشتن استخوان می‌گویند. شکستگی در صورتی که به صورت کامل باشد و در آن گسیختگی در تمام بافت نسجی استخوان رخ دهد آن را شکستگی کامل می‌نامند. در مقابل، شکستگی ناکامل قرار دارد که در آن تنها قسمتی از مقطع عرضی استخوان دچار گسیختگی می‌شود. درحقیقت ترک برداشتن همان شکستگی ناکامل است.

با توجه به موارد فوق، صدمات استخوانی زیر منطبق با تعریف ترک برداشتن است:

الف) شکستگی ترکه‌تری: یکی از صدمات استخوانی به نام شکستگی ترکه‌تری بوده که بنا بر علم پزشکی در اقسام شکستگی ذکر شده است لکن بنا بر تعریف فقهی - لغوی نمی‌توان آن را شکستگی دانست. در تعریف شکستگی ترکه‌تری می‌خوانیم: در این نوع شکستگی ضربه وارده به استخوان باعث شکسته شدن استخوان در طرف مقابل ضربه می‌شود. این صدمه در دامنه شمول صدمه ترک برداشتن و احکام مربوطه به آن قرار خواهد گرفت. بدین توضیح که با توجه به تعریف شکستگی مبنی بر جدایی کامل بافت استخوانی، صدمه شکستگی ترکه‌تری را نمی‌توان داخل در شکستگی دانست. ترک برداشتن به شکستگی ناکامل تعریف شده است و این صدمه با ترک برداشتن تطبیق دارد.

ب) شکستگی ترک برداشتن: شکستگی که روی فیلم رادیوگرافی، خط مویی ظریف روی استخوان نشان می‌دهد. به عبارت دیگر شکستگی ناکاملی که تنها قسمتی از مقطع عرضی استخوان دچار گسیختگی می‌شود. این تعریف تنها منطبق با مفهوم ترک برداشتن از لحاظ لغت و فقه بوده و در دامنه شمول احکام ترک برداشتن است.

ج) شکستگی داخل مفصلی: یکی از انواع صدمات که در دامنه شمول ترک برداشتن قرار می‌گیرد شکستگی داخل مفصلی است. در تعریف این صدمه می‌خوانیم: «در آن خط شکستگی به داخل مفصل راه یافته است. ممکن است باعث محدودیت حرکات مفصلی گردد». از آنجایی که در این صدمه انفصال کامل محقق نشده و تنها شکستگی ناکامل انتهای استخوانی بوده که به داخل مفصل راه یافته است، می‌توان آن را مطابق با تعریف ترک برداشتن دانست. البته در صورتی که این شکستگی امتداد یافته و به صورت کامل محقق شود به‌عنوان یک صدمه شکستگی در دامنه شمول بند ۲-۱ قرار خواهد گرفت.

### ۲-۳. کوبیدگی یا خردشدگی

#### ۲-۳-۱. پزشکی

در پزشکی نوعی شکستگی را که در آن استخوان به بیش از دو قطعه تقسیم شده شکستگی چندقطعه‌ای می‌نامند و شاخص آن چنین است که پس از جاناندازی بین قطعات اصلی استخوان ارتباط وجود دارد (London, 1999: 213). در پزشکی قانونی کوبیدگی<sup>۱</sup> یا خردشدگی<sup>۲</sup> به حالتی گفته می‌شود که در محل شکستگی بیش از دو قطعه شکستگی وجود دارد (عابدی و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۰). می‌توان گفت در این صدمه، تجمع یا درکنار هم بودن اجزای خردشده در یک ناحیه به‌عنوان شاخص تعیین صدمه است. توجه به شاخص مذکور، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که لزوماً چند قطعه شدن استخوان را نمی‌توان خردشدگی محسوب کرد تا زمانی که عرف حصول قید تجمع و درکنار هم بودن را با حس یا با دیدن رادیوگرافی تأیید نکند. لذا اگر استخوان به ده قطعه تبدیل شود و این قطعات، شاخص تجمع و ارتباط را نداشته باشند صدمه وارده را چندشکستگی می‌دانیم. ملاک تحقق خردشدگی را می‌توان در اتصال قطعات شکسته با یکدیگر تعیین کرد.

#### ۲-۳-۲. فقه

در متون لغت عرب برای صدمه کوبیدگی یا خردشدگی از واژه «رض» استفاده می‌شود. رض به معنای کوبیدن شیء است. در کتب لغت در تعریف آن گفته شده است «دقک الشی» (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ۴۳۰؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۸)، همان‌گونه که به وسیله‌ای که با آن به در منزل زده

1. crush Fx

2. comminuted Fx



می شود دق الباب می گویند. برخی (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۵۴) رض را به شکستن تعریف کرده اند که باید گفت کوبیدن نوع خاصی از شکستن است.

در صورت تردید در تحقق خردشدگی (با شاخص تجمع اجزای انفصال یافته) با شکستگی (با شاخص پراکندگی اجزای انفصال یافته)، اصل برائت از زائد جاری و حکم به تحقق صدمه با میزان جبران خسارت کم تر داده می شود.

### ۲-۳-۳. بررسی تطبیقی

بیان شد که در علم پزشکی، کوبیدگی یکی از اقسام شکستگی ذکر شده است. در فقه این صدمه با عنوان رض تعبیر شده و آن را به معنای کوبیده شدن شیء دانسته اند. شباهت فقه و پزشکی در دانستن این صدمه تحت یکی از انواع شکستگی ها، در بیان برخی از اهل لغت نیز آمده است و رض را به معنی شکستگی دانسته اند.

از میان انواع شکستگی می توان برخی از اقسام آن را منطبق با کوبیدگی یا خردشدگی در فقه دانست.

شکستگی فشرده: در این صدمه استخوان در اثر فشار یا ضربه شدید، فشرده یا به عبارتی کوبیده می شود. این نوع شکستگی هنگامی است که یک استخوان بر اثر فشار خارجی در خود شکسته شده و به نظر می رسد که حجمش کم شده است (الهی، ۱۳۸۸: ۳۰۲). این شکستگی در اثر وارد آمدن فشار بیش از تحمل به استخوان به وجود می آید، مثل شکستگی فشرده مهره ها در اثر خم شدن ناگهانی کمر در سال خوردگان و شکستگی فشرده استخوان پاشنه در اثر سقوط از بلندی. هرچند در تعریف خردشدگی از منظر پزشکی قانونی بیان شد که در این صدمه استخوان به بیش از دو قطعه تقسیم می شود، لکن نوع دیگری که می تواند در دامنه شمول صدمه خردشدگی، که در علم پزشکی قانونی نیز در کنار صدمه خردشدگی بیان شده است، محسوب شود صدمه شکستگی فشرده یا همان لهیدگی است؛ به این معنا که حجم استخوان در اثر ضربه یا فشار کم شده است، به گونه ای که به چند تکه جدا شده نمایان شود. می توان گفت در صورتی که دستی روی قسمت لهیده کشیده شود به صورت تکه تکه جدا خواهد شد. در صورت تحقق این موضوع و با عنایت به تجمع در یک محل به عنوان صدمه خردشدگی محسوب می شود و در صورتی که به صورت یک تکه جدا شود منطبق با صدمه شکستگی خواهد بود و در غیر این صورت تنها به عنوان یک آسیب نسبی محسوب خواهد شد. این صدمه شبیه حالت درهای چوبی است که بر اثر دق الباب لهیده

شده باشد. بیان شد که صدمه کوبیدگی در لغت با عنوان رض که تعریف به دفع الشیء شده، نام‌گذاری شده است.

نوع دیگری از صدمه فشرده که غالباً در کودکان بوده با عنوان پزشکی «Torus or Buckle Fracture» شناخته می‌شود که باعث فشرده شدن قسمتی از استخوان در یک نقطه و به عبارتی استخوان چروکیده می‌شود. در صورتی که در این صدمه حالت لهیدگی ایجاد شود این صدمه در دامنه شمول خردشدگی یا لهیدگی قرار می‌گیرد و الا تنها یک آسیب نسج استخوانی است که محکوم به ارش خواهد بود، چراکه قابل مشاهده است و اختلال عملکرد را به دنبال دارد.

شکستگی چند تکه‌ای<sup>۱</sup>: در این صدمه قطعات شکسته شامل دو قطعه بزرگ و چند تکه کوچک در محل شکستگی است. هر چند در صدمه شکستگی چند تکه‌ای مانند شکستگی چند قطعه‌ای، استخوان از چند ناحیه دچار آسیب شکستگی است، لکن با توجه به فاصله میان صدمات که در چند قطعه‌ای صدمات وارده در چند نقطه مجزا بوده و در صدمه چند تکه‌ای به صورت متراکم و در یک نقطه بوده، صدمه چند قطعه‌ای در دامنه شمول شکستگی و صدمه چند تکه‌ای در دامنه شمول خردشدگی قرار می‌گیرد. در تحقق خردشدگی، تجمع اجزای خردشده در یک ناحیه لازم است. لذا چند قطعه شدن استخوان لزوماً نمی‌تواند تحقق خردشدگی باشد. مرجع در تعیین نوع صدمه با توجه به مساحت و به‌طور کلی در تمامی موارد، عرف است که با دیدن رادیوگرافی، حکم به ارتباط میان تمامی انفصال‌ها در صدمه خردشدگی خواهد داد.

یکی از اقسام شکستگی به نام شکستگی درهم فرو رفته است. در این صدمه هر چند انفصال استخوان واقع شده و منطبق با شکستگی است، لکن استخوان‌ها حالت لهیدگی را نیز پیدا می‌کنند. نزدیک‌ترین صدمه استخوانی که بر این حالت صادق است صدمه کوبیدگی یا خردشدگی است. بنابراین در صورتی که ابتدا بافت استخوان به‌صورت کامل جدا شده و از محل انفصال در هم فرو روند، به‌گونه‌ای که تکه‌های کوچکی جدا شود می‌توان در این حالت هر دو صدمه شکستگی و خردشدگی را صادق دانست.

برخی حقوقدانان با سابقه قضائی، خرد شدن را به معنای له شدن و شکستگی را به معنای تکه‌تکه شدن می‌دانند (مصدق، ۱۳۹۹: ۷۷). مطابق این تعریف، شکستگی فشرده داخل در صدمه خردشدگی است و شکستگی چند تکه‌ای داخل در صدمه شکستگی، در حالی که پس از بررسی متون لغت، فقه و پزشکی، هر دو صدمه شکستگی چند تکه‌ای و فشرده، در دامنه شمول

1. comminuted

خردشدگی قرار دارند و تعریف فوق را نمی‌توان تعریف جامعی دانست. برخی دیگر قائلند اگر در عضوی یک یا دو شکستگی وجود داشته باشد اصطلاحاً به آن شکستگی و به بیش از سه شکستگی در اصطلاح، خردشدگی گفته می‌شود. ایشان در ادامه تعداد شکستگی را به حسب عضو، قابل سنجش دانسته‌اند مثلاً سه شکستگی نیم سانتی و نزدیک هم در استخوان ساق یا ساعد را مجموعاً یک شکستگی، ولی همین شکستگی نیم سانتی را در بند انگشت، خردشدگی می‌دانند (عابدی، ۱۴۰۰: ۸۰). این تعریف محل شکستگی را به عنوان شاخصی برای تعیین نوع صدمه استخوانی دانسته که فاقد میناست. بنابر این تعریف، صدمه‌ای واحد در یک عضو معادل شکستگی و در عضو دیگر معادل خردشدگی است. برخی دیگر کوبیدن را همان خردشدگی دانسته‌اند و این دو را دارای دو مفهوم متفاوت نمی‌دانند (زرعت، ۱۳۹۶: ۳۰۴). هرچند حکم این دو صدمه یکسان است، لکن نمی‌تواند دلیل یکسان دانستن مفهوم آن دو باشد. علم پزشکی کوبیدن و خردشدگی را با عناوین شکستگی فشرده و چندتکه‌ای آورده است.

ورود به تعاریف صدمات نیازمند بررسی دقیق متون لغت و بهره‌مندی از پیشرفت‌های پزشکی در تصویربرداری و ارائه تعریف جامع دارد که این مهم در تعاریف بالا، مراعی نیست.

## ۴-۲. دررفتگی

فک به معنای جدا کردن و رها شدن (راغب، ۱۴۱۲/۳: ۸۵) بوده و در استخوان به معنای بیرون شدن استخوان از جای خود یا از مفصل است. در تعریف دیگری آمده است: استخوان را جابه‌جا کرد (سیاح، بی تا: ۱۵۲).

نقل به معنای حرکت چیزی از یک موضع به موضع دیگر است (سعدی، ۱۴۰۸). در تعریف نقل آمده است: بگردانیدش از جای بجنبانیدش از جای (زمخشری، ۱۳۸۶) یا نَقَلَ - نَقْلًا الشیء: آن چیز را از جایی به جای دیگر منتقل کرد (سیاح، بی تا).

برخی حقوقدانان مقرر داشته‌اند: صدر ماده ۱۵۷۱ ق.م.ا. سخن از دررفتگی جزئی است و ذیل آن، درمورد دررفتگی کلی که یا دائمی است و یا درمان بلاعیب دارد (عابدی، ۱۴۰۰: ۸۴). مطابق این تعریف، دررفتگی کلی همان شلل یا ازکارافتادگی کامل عضو که در ماده ۵۷<sup>۱</sup> ق.م.ا.

---

۱. ماده ۵۷۱ ق.م.ا.: «دررفتگی استخوان از مفصل، در صورتی که موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو نگردد، موجب ارش و در غیر این صورت موجب دو سوم دیه همان عضو و در صورت درمان بدون عیب موجب چهارپنجم از دوسوم دیه آن عضو می‌باشد».

ذکر شده، دانسته شده است در حالی که دررفتگی می‌تواند به‌عنوان یکی از علل شلل باشد. برخی دیگر از حقوقدانان (زراعت، ۱۳۹۶: ۳۰۳) خارج شدن مفصل (محل اتصال استخوان‌ها به یکدیگر) از محل اصلی خود را دررفتگی دانسته‌اند که منطبق با تعریف لغت و پزشکی است.

شورای نگهبان در سؤالی<sup>۱</sup> در معنای فک چنین پاسخ داده‌اند:

«منظور از جدا شدن استخوان در ماده مذکور در قانون دیات و قانون مجازات اسلامی اینکه استخوان به کلی از مفصل بیرون آمده باشد که قهراً قسم خاصی از دررفتگی است نه مطلق دررفتگی و مقصود بریده شدن استخوان و جدا شدن آن از عضو نیست و با این برداشت ماده مذکور مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است»<sup>۲</sup>.

فک و نقل در صدمه واحدی با تفاوت در شدت به‌کار می‌روند؛ یعنی نقل همان دررفتگی است که اتصال ناکامل بین مفاصل جدا شده است، لکن در فک دو مفصل به‌طور کامل از یکدیگر جدا شده‌اند. با عنایت به اینکه شلل یا فلج عضو دارای حکم جداگانه‌ای است منظور از دررفتگی، صدمه‌ای است که به شلل یا فلج عضو منجر نشده باشد.

یکی از صدمات وارد بر استخوان نقل است که در علم پزشکی این صدمه به نام شکستگی دررفتگی ذکر شده است.

## ۲-۵. کبودی یا کوفتگی

کبودی یا کوفتگی استخوان در علم پزشکی با عنوان «بوروز» شناخته می‌شود. بوروز یک یافته‌ام آر آی است که در آن تغییر سیگنال در مغز استخوان بر اثر ترومای وارد به استخوان دیده می‌شود. ام. آر. آی. یک ابزار قدرتمند برای تشخیص آسیب‌هایی است که در پرتونگاری و آرتروسکوپی پنهان هستند و یک روش انتخابی برای تشخیص اختصاصی آسیب‌های حاد استخوان، در زمانی است که معاینات بالینی، مبهم و دوپهلوهستند. بوروز فقط با استفاده از ام. آر. آی. کشف می‌شود و طی آن ترکیبی از خون‌ریزی، ادم و شکستگی میکروتراپیکولار، بدون شکستگی کورتکس مجاور در استخوان به وجود می‌آید (میرزا طلوعی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۵). این آسیب استخوانی با چشم یا سایر حواس قابل درک نیست و تنها یک متخصص با دیدن ام. آر. آی. می‌تواند آن را تشخیص دهد. ملاک در تعیین جبران خسارت، قابلیت مشاهده صدمه برای عموم افراد با دیدن رادیوگرافی

۱. نامه شماره ۱۴۲۳ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۲.

۲. نظریه شماره ۳۴۷۷۱/۳۴۷۲/۵/۱۳۷۲.

است و آسیب‌هایی که امکان عدم تشخیص توسط پزشک عمومی را داشته نمی‌تواند در دامنه شمول صدمات تعریف‌شده و نامبرده‌شده در فقه و قانون محسوب شود. البته می‌توان با رعایت اصل تناسب و تعیین میزان جبران خسارت کم‌تر از سایر صدمات، نسبت به تعیین ارزش حکم داد. در صورتی که این صدمه، خود را با تغییر رنگ پوست نمایان سازد مطابق ماده ۷۱۴ ق.م.ا. میزان جبران خسارت تعیین خواهد شد و اگر سبب اختلال عملکرد شود ارزش به آن تعلق می‌گیرد.

## ۶-۲. موضعه

برخی از صدمات استخوانی همواره همراه با جراحت است. تحقق برخی صدمات مانند شکستگی ممکن است بدون هیچ‌گونه جرحی حاصل شود، لکن صدمه موضعه در امتداد جرح وارده بر بافت گوشتی تا رسیدن به استخوان است؛ بنابراین همواره با جرح همراه خواهد بود. اهل لغت در تعریف این صدمه مقرر داشته‌اند: *الموضحة الشجة تبدی بیاض العظام*. (سعدی، ۱۴۰۸ق: ۳۸۲). در تعریف دیگر می‌خوانیم: *الموضحة و هی التي توضح العظم و تكشف عن وضح العظم و بیاضه* (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق: ۳۳۱). مطابق این تعاریف، شاخص برای کشف این صدمه، آشکار شدن سفیدی استخوان (بیاض العظام) است و از آنجا که آسیب وارده بر پوست روی استخوان بوده و درحقیقت صدمه به قسمت ابتدایی سطح استخوان وارده شده است می‌توان آن را در صدمات مربوط به استخوان ذکر کرد.

قانون مجازات در ماده ۷۰۹ به تعریف این جنایت پرداخته و مقرر داشته است: «جراحی که پوست نازک روی استخوان را کنار بزند و استخوان را آشکار کند» می‌توان خفیف‌ترین صدمه وارده بر استخوان را که در کتب فقهی و اهل لغت با عنوان خاص ذکر شده است موضعه دانست.

## ۷-۲. کنده شدن استخوان

کنده شدن استخوان می‌تواند با جدا شدن قطعه کوچک یا قسمت بزرگی از استخوان محقق شود. کنده شدن استخوان<sup>۱</sup> در علم پزشکی به‌عنوان یکی از انواع صدمه شکستگی ذکر شده و در تعریف آن آمده است: کنده شدن قسمت کوچکی از استخوان ممکن است در اثر انقباض ناگهانی عضله (مثل شکستگی قاعده پنجمین متاتارس و یا شکستگی برجستگی بزرگ درشت‌نی) و یا در اثر کشش بیش از حد روی رباط یا کپسول مفصلی به وجود آید (مثل کنده شدن لبه داخلی انتهای

1. avulsion fracture

فوقانی بند اول شست در اثر فشار بیش از حد روی آن (جان کرا و دیگران، ۱۳۷۷: ۹؛ اعلمی هرنندی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۸، ۴۹؛ برونر و سودارث، ۱۳۹۰: ۱۳۸)، اما در فقه تنها برخی فقها (مکارم، ۱۴۲۷/۲ق: ۵۶۵؛ لنکرانی، ۲/بی تا: ۴۶۳) به بیان این مسئله به صورت مستقل یا در پاسخ به استفتا پرداخته‌اند. این صدمه در متون فقهی با عنوان خاصی ذکر نشده و تنها به عنوان یک آسیب مفروض در صدمات استخوانی ذکر شده است. تنها در حالتی که کنده شدن استخوان موجب ازکار افتادن عضو شده، در فقه (شاهرودی، ۱۴۲۶ق: ۴۰۵) با عنوان شلل ذکر شده است. در غیر از حالت شلل، آیا می‌توان این صدمه را همان صدمه شکستگی دانست؟

پاسخ قانون مجازات اسلامی به این پرسش مثبت بوده و با این صدمه همانند شکستگی برخورد کرده است. در ماده ۵۷۲ ق.م.ا. می‌خوانیم: «هرگاه در اثر جنایتی تکه کوچکی از استخوان از آن جدا شود، دیه شکستگی ثابت است».

اما اگر قطعه بزرگی از استخوان کنده شود، می‌تواند به شلل عضو منجر شود. در صورتی که کنده شدن کامل استخوان یا قطعه بزرگی از آن، به از کارافتادن عضو منجر شود محکوم به صدمه شلل خواهد بود. این صدمه هرچند مربوط به استخوان است و تمام یا قسمت بزرگی از استخوان کنده شده لکن به دلیل اینکه عضو از کار می‌افتد نتیجه آن به ازکار افتادن عضو بر می‌گردد که در فقه و لغت با عنوان شلل ذکر می‌شود. قانون مجازات در ماده ۵۷۱ از صدمه شلل نام برده و از کارافتادگی را معادل آن قرار داده است. اما حکم کنده شدن قطعه بزرگی از استخوان را نباید تنها در قالب شلل بیان کرد، چراکه کنده شدن استخوان اعم از قسمت کوچک یا قسمت بزرگی از آن، با تعریف شکستگی که انفصال کامل بافت استخوانی بوده تطبیق دارد. بنابراین مطابق ماده ۵۷۳ ق.م.ا. که مقرر می‌دارد: «هرگاه صدمه بر استخوان، موجب نقص عضو یا صدمه دیگری گردد، هر یک دیه جداگانه‌ای دارد» در صورتی که کنده شدن قسمت بزرگی از استخوان موجب شلل عضو شود این آسیب علاوه بر انطباق با صدمه شکستگی و حکم به جبران خسارت آن، محکوم به آسیب شلل نیز می‌شود و اگر شلل عضو را به دنبال نداشته باشد تنها محکوم به شکستگی خواهد بود.

ماده ۵۷۲ ق.م.ا. برای کنده شدن استخوان، قید کوچک را مقرر داشته است. لذا می‌توان گفت در صورت کنده شدن تکه بزرگی از استخوان نیز قطعاً شکستگی صادق بوده و از آنجا که صدمه وارده شدیدتر از صدمه مذکور در ماده ۵۷۲ ق.م.ا. بوده، لازم است خسارتی بیشتر از شکستگی برای آن در قالب ارش نیز در نظر گرفته شود. البته براساس تصریح قانون مجازات در تبصره ۲ ماده ۷۰۹ ق.م.ا. که مقرر داشته است: «ملاک دیه در جراحات‌های مذکور، مقدار نفوذ جراحت بوده و طول و عرض آن تأثیری در میزان دیه ندارد» می‌توان از روح قانون نتیجه گرفت که در موضوع

دیات، تفاوت در طول جنایت تأثیری در میزان جبران خسارت نخواهد داشت لذا تفاوتی میان میزان جبران خسارت کنده شدن قطعه کوچک و بزرگ استخوان نخواهد بود. با توجه به دو فرضیه مطرح شده می توان گفت براساس متن قانون که عبارت تکه کوچکی را مقرر داشته و با عنایت به اینکه صدمه کنده شدن استخوان بزرگ شدیدتر از صدمه کنده شدن استخوان کوچک بوده، لازم است در فرض کنده شدن استخوان بزرگ، حکم به دیه شکستگی به علاوه ارش شدت صدمه کرد، لکن روح قانون مجازات در کتاب دیات براساس تبصره ۲ ماده ۷۰۹ ق.م.ا. برخلاف کتاب قصاص این تفاوت را نمی پذیرد که می توان گفت قول دوم یعنی عدم تفاوت میان کنده شدن قطعه بزرگ یا کوچک ارجح است.

## ۲-۸. سوراخ شدن

در علم پزشکی برای این صدمه عنوان خاصی ذکر نشده است و گویا همان معنای لغوی آن مدنظر است. در فقه برای این لغت از واژه نقب استفاده شده است. نقب به معنای سوراخ کردن است. راغب گوید نقب در دیوار و پوست مانند نقب (سوراخ کردن) است در چوب (راغب، ۱۴۱۲ق: ۸۲۰، قرشی، ۱۴۱۲ق: ۱۰۳). این کلمه در آیات متعددی از قرآن کریم نیز بیان شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» (کهف: ۹۷). ترجمه: نتوانستند از آن سد بالا روند و نتوانستند آن را سوراخ کنند. طبرسی آن را سوراخ وسیع و نیز راهی که در کوه بوده دانسته است.

بنابراین یکی از صدمات استخوانی، نقب بوده که این صدمه در استخوان به معنی سوراخ کردن استخوان است و تنها در ماده ۶۵۷ ق.م.ا. و درمورد استخوان ترقوه ذکر شده است. ماده مذکور مقرر می دارد: «دیه ترک خوردن هر یک از استخوان های ترقوه، سی و دو هزارم، دیه موضعه آن، بیست و پنج هزارم، دیه در رفتگی آن، بیست هزارم و دیه سوراخ شدن آن، ده هزارم دیه کامل است». در غالب متون روایی صدمه سوراخ شدن با عنوان ناقبه ذکر شده و در موارد کمی با عنوان نافذه هم آمده است. با توجه به متون لغوی معنای نافذه و ناقبه یکی است. البته می توان این گونه تفکیک قائل شد که نافذه ناظر به جراحات وارد بر بدن است و ناقبه صدمه وارد بر استخوان است. یا اینکه منظور از نافذه در این موارد نفوذ از یک طرف استخوان و خروج از طرف دیگر باشد و ناقبه به حالت سوراخ شدن استخوان بدون خروج از طرف دیگر اشاره دارد (شاکر، ۱۳۹۴: ۱۷۶-۱۷۷).

## ۹-۲. سیاه یا فاسد شدن استخوان

این صدمه در علم پزشکی با عنوان نکروز<sup>۱</sup> شناخته و موجب درد در استخوان می‌شود. در مواردی با گچ گرفتن یا شست‌وشوی استخوان، بهبود می‌یابد و در موارد شدیدتر با تغییر شکل استخوان و ساییدگی آن، لازم است استخوان بیرون آورده شود. لذا حسب نتایجی که این صدمه به دنبال داشته لازم است در مورد جبران خسارت آن نظر داده شود. اما اگر این صدمه استخوانی به آسیب دیگری سرایت نکند با توجه به عدم تعیین دیه معین برای این صدمه استخوانی، محکوم به ارض خواهد شد و در صورت سرایت به جمع مجازات‌ها محکوم خواهد شد. اگر این صدمه موجب کنده شدن تکه کوچکی از استخوان شده باشد می‌توان آن را در دامنه شمول شکستگی نیز قرار داد. لکن اگر تکه بزرگ استخوان از بین برود در این حالت علاوه بر تحقق شکستگی، اگر موجب شلل عضو نیز شود احکام آن در قانون ذکر شده است و اگر قسمتی از استخوان از بین برود و شلل عضو را به دنبال نداشته باشد تنها محکوم به شکستگی خواهد شد. توجه به این صدمه و تعیین و تطبیق آن در صدمات استخوانی با عنایت به اینکه ممکن است بر اثر عمل جراحی و توسط پزشکان در افراد ایجاد شود (عفت‌پرور و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۸) ضروری است. پزشکی قانونی برای وحدت رویه در تعیین میزان خسارت صدمات استخوانی به این صدمه در برخی استخوان‌ها اشاره کرده است. برای مثال در دررفتگی لونیت (یکی از استخوان‌های کف دست) به علاوه نکروز، حکم به ۷ درصد دیه کامل داده است (عابدی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۹) بیان شد که این صدمه حالات مختلفی دارد و می‌تواند به صورت شدید یا ضعیف باشد که لازم است براساس میزان شدت صدمه و نیز سرایت آن نسبت به تعیین میزان خسارت گواهی کارشناسی صادر شود.

## ۱۰-۲. استئومیلیت یا عفونت استخوان

استئومیلیت نوعی التهاب استخوانی است که در اثر انتشار باکتری‌ها از خون به استخوان ایجاد می‌شود (دشت بزرگ، ۱۳۹۲: ۵۲)

برخی عوارض عفونت استخوان به قرار زیر است (سایت ایران ارتوپد):

انتشار میکروب و عفونت از طریق جریان خون به همه بدن و فوت بیمار؛

سرایت عفونت به مفصل مجاور استخوان و ایجاد آرتریت چرکی یا عفونت مفصل؛

1. necrosis



تخریب صفحه رشد استخوان و به دنبال آن متوقف شدن رشد استخوان و کوتاهی آن و یا رشد نامتقارن استخوان و تغییر شکل متعاقب آن؛  
تحریک صفحه رشد استخوان و رشد بیشتر استخوان؛  
تبدیل شدن عفونت حاد استخوان به عفونت مزمن؛  
تخریب شدید استخوان و از بین رفتن قسمتی از آن؛  
ضعیف شدن استخوان و به دنبال آن شکستگی مرضی یا پاتولوژیک آن.

بنابر اینکه عفونت استخوان به چه آسیبی منجر شده است محکوم به مجازات آن آسیب خواهد شد. برای مثال در صورتی که عفونت به شکستگی منجر شود صدمه شکستگی نیز علاوه بر استئومیلیت محقق می‌شود و یا اگر به فوت منجر شود درحقیقت قتل محقق شده است و محکوم به مجازات قصاص یا دیه قتل خواهد بود. اما اگر عفونت درمان شود با توجه به اینکه در دامنه شمول هیچ‌کدام از صدمات مشخص ذکر شده در فقه و قانون قرار نمی‌گیرد برای آسیب عفونی استخوان، ارش تعیین می‌شود.

## ۲-۱۱. سایر آسیب‌های بافت سخت استخوانی

در برخی موارد ممکن است صدمه‌ای به بافت استخوانی وارد شود لکن این صدمه در دامنه شمول هیچ یک از صدمات فوق قرار نگیرد. برای نمونه صدمه شکستگی استرس در پزشکی به‌عنوان یکی از اقسام شکستگی ذکر شده است. در تعریف این صدمه آمده است: «این شکستگی ناشی از ضربات خفیف و مکرر است که باعث شکستگی میکروسکوپی استخوان می‌گردد» بیان شد که شاخص در تشخیص صدمات، عرف است و از آنجا که در این نوع صدمه، آسیب وارده به‌صورت میکروسکوپی است لذا به‌عنوان صدمه شکستگی شناخته نمی‌شود. در این گونه صدمات که با هیچ یک از صدمات بالا مطابقت ندارد جبران خسارت معینی تعلق نمی‌گیرد و تنها در صورتی که موجب اختلال در عملکرد شود می‌توان برای آن با رعایت اصل تناسب جرم و مجازات، ارش تعیین کرد. همین‌طور در صدمه خمیدگی استخوان<sup>۱</sup> که در آن خط شکستگی واضحی در کورتکس دیده نمی‌شود و شکستگی‌های ریز میکروسکوپی متعددی باعث تغییر شکل دائمی و انحنای استخوان به‌صورت کمانی شدن می‌شود (عبدلی تفتی، ۱۳۹۳: ۷۷). از آنجا که

این صدمه قابل مشاهده و تطبیق با تعریف انفصال کامل یا ناکامل توسط عرف نیست، در صورت اختلال عملکرد، تنها می‌توان برای جبران خسارت آن ارش تعیین کرد.

### نتیجه

عرف، مرجع تعیین مصداق و پزشکی قانونی به‌عنوان مرجع تشخیص صدمات استخوانی است. عرف به‌عنوان حاکم در تعیین صدمات، نقش کلیدی دارد و لازم است نقش عرف در مقام مصداق‌شناسی صدمات مورد توجه کارشناسان پزشکی قانونی برای صدور گواهی تشخیصی قرار گیرد. به عبارتی عرف به‌عنوان مرجع تعیین برای تحقق عنصر مادی جرم یا همان تحقق صدمه است. در نتیجه این امر، تشخیص صدمات که وظیفه پزشکی قانونی است به راحتی و بر مبنای قانون با محوریت عرف برای تعیین میزان مسئولیت جانی انجام می‌شود.

در صدمات مشابه استخوان‌های مشمول یک عنوان، حکم یکسان خواهد بود. برخی احکام فقهی بر عنوانی حمل شده که در بردارنده چندین جزء است. در این حالت حکم مذکور بر تمامی اجزایی که در دامنه شمول آن عنوان بوده به‌صورت یکسان ثابت خواهد بود. قانون مجازات نیز همانند متون فقهی به ذکر عنوان کلی استخوان‌هایی که در بردارنده چند جزء بوده بسنده کرده است. مطلبی که سازمان پزشکی قانونی در برخی استخوان‌ها مانند لگن به‌صورت متفاوت عمل کرده است تناسب میزان مجازات (تعیین دیه) با مسئولیت (در صدمات استخوانی) بر مبنای عنوان استخوان است که می‌توان از روح حاکم بر قانون، این تناسب را در مورد ارش نیز جاری ساخت و در مجموعه استخوان‌هایی که با یک عنوان در فقه نام‌گذاری شده مانند میج دست، لکن دارای دیه معین نبوده است نیز حکم به مجازات واحد در تمامی قسمت‌های آن استخوان در صدمات مشابه می‌دهد.

در بدن، استخوان‌های بسیار ریز و کم‌ارزشی وجود دارد که همسان‌سازی آن‌ها با استخوان اصلی که قوام عضو به آن است صحیح نیست. بنابراین ضوابطی که در جبران خسارت استخوان‌ها در قانون مطرح شده در مورد استخوان‌هایی است که قوام اصلی عضو را بر عهده دارند و در مورد چنین استخوان‌های ریز، ارش تعیین می‌شود. مویب این برداشت را می‌توان عرف دانست که هیچ‌گاه حکم به برابری استخوان اصلی یک عضو با استخوان‌های کوچکی که در همان عضو بوده نمی‌دهد. برای مثال استخوان ناویکولر فرعی که در برخی افراد وجود دارد و در صورت آسیب نمی‌توان همانند استخوان ناویکولر اصلی برای آن حکم داد لکن تعیین ارش صحیح است.

در علم پزشکی قریب به بیست نوع صدمه برای استخوان تصور شده، ولی صدمات استخوانی در فقه با عناوین بسیار محدودتری ذکر شده است. تطبیق صدمات استخوانی از منظر پزشکی با فقه را می توان در قالب جدول زیر ارائه کرد. این تطبیق می تواند در تعیین مجازات متناسب با میزان مسئولیت جانی، مورد استفاده تطبیقی قاضی در صدور احکام گیرد.

جدول صدمات		
عنوان پزشکی	عنوان فقهی	توضیحات
شکستگی عرضی		این صدمات منطبق با تعریف شکستگی از منظر فقه بوده و تنها از حیث ظاهری متفاوت هستند.
شکستگی مایل		
شکستگی مارپیچی		
شکستگی کنده شدن استخوان	شکستگی	این صدمه اعم از اینکه قسمت کوچک یا بزرگی از استخوان کنده شود منطبق با تعریف فقه از شکستگی مبنی بر انفصال کامل بافت استخوان است، البته در صورتی که قسمت بزرگی کنده شود و شلل عضو را به دنبال داشته باشد به صدمه شلل و جبران خسارت آن محکوم می شود.
شکستگی چند قطعه‌ای		حسب تعداد شکستگی ها حکم داده می شود. ملاک تمیز این صدمه از شکستگی چند تکه‌ای، بودن صدمات در نقاط مجزاست که هیچ ارتباطی میان آن‌ها نیست.
شکستگی دررفتگی		در این آسیب هم شکستگی و هم دررفتگی محقق شده و دو صدمه واقع شده است.
شکستگی درهم فرو رفته		این صدمه منطبق با تعریف شکستگی است، اما در صورتی که به کاهش حجم به عنوان یک عیب منجر شود ارزش آن علاوه بر شکستگی محاسبه می شود. در صورت چند تکه شدن لبه انفصال استخوان، صدمه خردشدگی نیز محقق شده است.
شکستگی فشرده		در صورتی که به کاهش حجم منجر شود حسب مورد می تواند به عنوان صدمه شکستگی یا خردشدگی و یا تنها یک آسیب نسجی محسوب شود.

تعریف پزشکی منطبق با تعریف فقه از صدمه ترک برداشتن است.	ترک برداشتن	شکستگی ترک برداشتن
جبران خسارت در محل فرود ضربه، علاوه بر طرف مقابل که ترک برداشته در صورت بروز عیب مانند سیاه شده و ... تعیین می شود.		شکستگی ترکه تری
از آنجا که انفصال به صورت کامل نیست، ترک برداشتن محقق می شود.		شکستگی داخل مفصلی
ملاک تمییز این صدمه از شکستگی چند قطعه‌ای، بودن صدمات با محوریت یک نقطه یا به عبارتی ارتباط به هم است.	کوبیدگی / خردشدگی	شکستگی چند تکه‌ای
تعاریف منطبق با یکدیگر هستند.	موضحه	هنگامی است که لایه روی استخوان به نام پریوست جدا شده و به عبارتی استخوان نمایان شود و سر آن بیرون بزند (سایت ایسنا).
در پزشکی این صدمه با عنوان خاصی ذکر نشده است.	سوراخ شدن	سوراخ شدن
از آنجا که این صدمه به صورت میکروسکوپی است، لذا عرف انفصال کامل یا ناکاملی مشاهده نمی کند تا حکم به شکستگی یا ترک برداشتن دهد.	در فقه عنوان صدمه خاصی ندارد	شکستگی استرس
در صورتی که به اختلال عملکرد یا تغییر شکل منجر شود، به جبران خسارت ارشی محکوم خواهد بود.		کبودی یا کوفتگی (بوروز)
اگر سبب آسیب مشخص و تعریف شده‌ای شود یا اختلال عملکرد را داشته باشد به همان آسیب محکوم می شود که می تواند به صورت دبه یا ارش باشد.		سیاه یا فاسد شدن
در صورت عدم تطبیق با صدمات دارای دبه مقدر، محکوم به ارش است.		استئومیلیت
		سایر آسیب‌های یافت سخت استخوانی

### پیشنهاد

همان‌گونه که در پیش‌گفتار کتاب ارش و دبه مقرر شده که «در ایران اسلامی، پزشکی قانونی علاوه بر جنبه‌های علوم تجربی، متأثر از آموزه‌های مذهبی و احکام شرعی است. هرچند ممکن

است منابع فقهی، حقوقی و پزشکی با یکدیگر تفاوت‌هایی داشته باشند، وظیفه سنگین کارشناس پزشکی قانونی در نظر گرفتن جمیع جهات و ایجاد تلفیقی از آن‌ها در نظرات کارشناسی خویش است» لذا پیشنهاد می‌شود جمعی از فقها و متخصصان پزشکی قانونی به تقریر ضوابط براساس بندهای زیر اقدام کنند:

محدوده و دامنه شمول و اجزای هر یک از عناوین فقهی استخوان‌های بدن به‌عنوان موضوع احکام صدمات تبیین شود. متخصصان پزشکی قانونی به منظور تعیین آسیب وارده بر تمامی دامنه شمول آن عنوان، به صورت یکسان گواهی صادر کرده که در این نوشتار درمورد استخوان لگن، مچ دست و کف دست تشریح شد. برای نمونه درمورد دست تبیین شود که تا کدام قسمت در دامنه شمول دست دارای دیه و کدام قسمت در دامنه شمول دست دارای ارش است. تمامی این مسائل با تدوین یک اطلس با حضور فقها، حقوقدانان و متخصصان پزشکی قانونی میسر می‌شود. همچنین امکان تهیه نرم‌افزار کاربردی برای قضات براساس این اطلس، در انجام وظیفه تطبیقی ایشان بسیار راه‌گشا خواهد بود و اجرای ماده ۴۴۹ ق.م.ا. با موضوع سرایت مقررات دیه مقدر به ارش، عملیاتی می‌شود.

با هم‌اندیشی به دسته‌بندی تطبیقی انواع صدمات استخوانی مذکور در پزشکی با عناوین موجود در فقه پرداخته شود تا متخصصان پزشکی قانونی با تطبیق صدمات پزشکی با صدمات فقهی یا در نظر گرفتن صدمات فقهی به‌عنوان شاخصی برای تعیین رتبه شدت صدمات و بالتبع تعیین دیه متناسب توسط محاکم بپردازند و این مهم به‌عنوان ملاک عمل در صدور گواهی از سازمان پزشکی قانونی قرار گیرد که جدولی براساس مستندات طرح‌شده در نتیجه این نوشتار ارائه شد و قضات می‌توانند نقش فعالی در بررسی گواهی صادره توسط مرجع پزشکی قانونی داشته باشند.

در پایان گفتنی است که بر حسب ظاهر، برخی دیات مقدر با اصل تناسب هم‌خوانی ندارند. مثلاً دیه استخوان‌های انگشت شصت دست با استخوان‌های انگشت کوچک یکسان باشد، در حالی که کاربرد انگشت شصت در مقابل انگشت کوچک، قابل مقایسه نیست یا استخوان‌های انگشتان پا در مقابل استخوان‌های انگشتان دست، کارآیی ضعیف‌تری دارد، ولی دیه یکسانی دارند و یا اینکه تفاوت صدمه خردشدگی استخوان نسبت به شکستگی استخوان، بیش از تفاوت مذکور برای دیه مقدر این دو صدمه است و مواردی از این قبیل که رعایت اصل تناسب در دیات مقدر را که این پژوهش به‌عنوان مقدمه اجرای اصل مذکور است مخدوش می‌کند، اما باید گفت در موارد منصوص، بسیاری از علل برای ما روشن نشده و تنها به دلیل تعبد براساس زحمت علمی که

محدثان و فقیهان در عصر پس از غیبت کبری در بررسی اسناد روایات کشیده به پشتوانه اصول دین که بر مبنای عقل ثابت شده ملزم به اطاعت هستیم و بسیاری از موارد هم با پیشرفت‌های علم پزشکی، ثابت شده‌اند. بنابراین جای تحقیق در این‌گونه موضوعات همواره تا هنگام ظهور وجود دارد و تا آن لحظه مبارک، این وظیفه محققان است تا بر مبنای متون روایی و اصول عقلی و بهره‌مندی از کشفیات علم پزشکی به بررسی و تضارب نظرات و کشف قول برتر در راستای عدم تهجم بر اموال (دیه) بپردازند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع فارسی

- اعلمی هرندی و همکاران، بهادر. (۱۳۹۲). درسنامه ارتوپدی و شکستگی ها، یک جلد، اول، تهران: نشر اندیشه رفیع.
- الهی، بهرام، استخوان شناسی، تهران: انتشارات جیحون، ج ۲۲، (۱۳۸۸ ش).
- بای، حسینعلی، شاکر، محمد حسین، بررسی قاعده دیه کوبیدگی استخوان، حقوق اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، اسفند ۱۳۹۵.
- بروئر و سودارث، ارتوپدی/پرستاری داخلی و جراحی (ترجمه فریب نصیری زیبا)، یک جلد، تهران: نشر جامعه نگر-سالمی، اول، (۱۳۹۰ ش). ص ۱۳۸
- جان کرا و فورد آدامز، دیوید هامبلن، اصول شکستگی ها و ارتوپدی (مترجم: دکتر سعید کاراندیش) یک جلد، تهران: چاپخانه ۱۲۸، دوم، (۱۳۷۷ ش).
- شاهرودی، سید محمود هاشمی، جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۳ جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، (۱۴۲۶ ه).  
➤ ریچارد ال دریک، واین وگل، آدام میشل، آناتومی گری، (مترجمین: رضا شیرازی، ابراهیم اسفندیاری، ساره کظمی، محمد حسن کریم فر)، تهران: انتشارات اندیشه رفیع، اول، (۱۳۹۳ ش).
- دشت بزرگ، احمد، استئومیلیت هماتوژن حاد در کودکان: بررسی گذشت هنگر در بیمارستان های اهواز، مجله جراحی استخوان و مفاصل ایران، دوره یازدهم، شماره ۲، (بهار ۱۳۹۲).
- ساریخانی، عادل، شاکر، محمدحسین، موسوی، سید ابراهیم، ضابطه دیه شکستگی استخوان، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۶، تابستان ۱۳۹۸.
- شاکر، محمدحسین، بای، حسینعلی، مطالعه تطبیقی قاعده در رفتگی استخوان در فقه و حقوق موضوعه، فصلنامه فقه پزشکی، سال هشتم، شماره ۲۸ و ۲۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- شاکر، محمد حسین، ساریخانی، عادل، بررسی دیه شکستگی استخوان از منظر قانون و رویه سازمان پزشکی قانونی به همراه حل برخی مشکلات اجرایی، دوره ۲۲، شماره ۴، (۱۳۹۵).
- شاکر اشتیجه، محمدحسین، ارژنگ، اردوان، کلانتری خلیل آباد، عباس، صدیقی آخا، حمید، کاربرد ضابطه تناسب صدمات استخوان و میزان جبران خسارت در ارش؛ از تعیین توسط متخصص تا تطبیق و حکم توسط قاضی، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۲۶، شماره ۹۶، (زمستان ۱۴۰۰).
- شاکر، محمد حسین، بررسی دیه صدمات مربوط به استخوان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، تاریخ دفاع ۹۴/۷/۸.
- صرافان، ناصر، و همکاران، درمان شکستگی های چندقطعه ای استخوانهای ران و ساق به روش پلاک گذاری بیولوژیک، مجله جراحی استخوان و مفاصل ایران، دوره سوم، شماره ۳، (بهار ۸۴).
- عابدی، محمد حسن، مهدوی سید امیر حسین، ناطقی فرد فریبرز، ارش و دیه، یک جلد، تهران: پیام عدالت، اول، (۱۳۸۴ ش).

- عبدلی تفتی، عباس، و همکاران، گزارش یک مورد پلاستیک دفورمیتی استخوان فیبولا، مجله دانش و تدرستی، دوره ۹، شماره ۴، (زمستان ۱۳۹۳).
- عفت پرور و همکاران، محمدرضا، تاثیر دریل کاری بر نكروز حرارتی استخوان، مجله جراحی استخوان و مفاصل ایران، دوره ۱۳، شماره ۴، (شماره مسلسل ۵۳)، (پاییز ۱۳۹۴).
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی، جامع المسائل (فارسی - فاضل)، دو جلد، انتشارات امیر قلم، قم - ایران، یازدهم، (بی تا).
- مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، (۱۴۲۷ ه.ق).
- میرزا طلوعی، فردین، افشار، احمد رضا، نتایج درمانی شکستگی های سگمنتال استخوان تیبیا به روش میله گذاری داخل کانال به صورت بسته، مجله پزشکی ارومیه، سال دوازدهم، شماره چهارم، (زمستان ۸۰).
- میرزا طلوعی، فردین، نوایی فر، نسرین، تبریزی، علی، غیور، شیوا، بررسی رابطه ادم حاد ایزوله استخوان با درد در بیماران با ترومای حاد زانو، مجله جراحی استخوان و مفاصل ایزان، دوره ۱۳، شماره ۳، (تابستان ۱۳۹۴).
- دورلند، ویلیام الکساندر، نیومن، انگلیسی-فارسی، فرهنگ پزشکی دورلند، (مترجم دکتر محمد هوشمندویژه) چاپ چهارم، تهران: چاپ هاتف، (۱۳۸۵ ش)

### عربی

- ابن عرفه، محمد بن محمد (بی تا)، تفسیر ابن عرفه، ۳ جلد، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، ۱۵ جلد، سوم، بیروت - لبنان: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ ه ق)، معجم مقائیس اللغة، ۶ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول،
- جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الأثر، ۵ جلد، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم - ایران، اول، (بی تا).
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية، ۶ جلد، بیروت-لبنان: دار العلم للملایین، اول، (۱۴۱۰ ق).
- راغب، اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴ جلد، لبنان - سوریه: دار العلم - الدار الشامیه، اول، (۱۴۱۲ ه ق).
- حسینی روحانی، قتی، سید صادق، فقه الصادق علیه السلام (لروحانی)، ۲۶ جلد، دار الکتب - مدرسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، (۱۴۱۲ ه ق).
- حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام، ۱۲ جلد، بیروت - لبنان: دار الفکر المعاصر، اول، (۱۴۲۰ ق).
- زمخشری، ابو القاسم، محمود بن عمر، الفائق في غريب الحديث، ۴ جلد، دار الکتب العلمیه، بیروت - لبنان، اول، (۱۴۱۷ ه ق).



دامنه شمول استخوان و صدمات آن، مقدمه اجرای اصل تناسب مجازات ديه... (شاکر اشتیجه و همکاران) ۱۲۳

- سعدی، ابو جیب، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، ۱ جلد، دمشق-سوريه: دار الفكر، دوم، (۱۴۰۸ ق).
- صاحب بن عباد، كافي الكفاة، اسماعيل بن عباد، المحيط في اللغة، ۱۰ جلد، بيروت - لبنان: عالم الكتاب، اول، (۱۴۱۴).
- صدر، شهيد، سيد محمد، ما وراء الفقه، ۱۰ جلد، بيروت-لبنان: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزيع، اول، (۱۴۲۰).
- طريحي، فخر الدين، مجمع البحرين، ۶ جلد، تهران: كتابفروشي مرتضوي، سوم، (۱۴۱۶ق).
- فراهيدي، خليل بن احمد، كتاب العين، ۸ جلد، قم: نشر هجرت، دوم، (۱۴۱۰ق).
- فيومي، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، در يك جلد، منشورات دار الرضي، قم - ايران، اول، ه ق،
- قرشي، سيد علي اكبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، تهران: دار الكتب الإسلامية، ششم، (۱۴۱۲ق).
- عاملی، شهيد ثانی، زين الدين بن علي، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشّي - كلانتر)، ۱۰ جلد، كتابفروشي داوری، قم - ايران، اول، (۱۴۱۰ ه ق).
- كليني، ابو جعفر، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - دار الحديث)، ۱۵ جلد، دار الحديث للطباعة و النشر، قم - ايران، اول، (۱۴۲۹ ه ق).
- عبد الرحمان، محمود، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، ۳ جلد، ه ق، (بي تا).
- واسطي، زيدي، حنفي، محب الدين، سيد محمد مرتضى حسيني، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، بيروت - لبنان: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، اول، (۱۴۱۴ ق).

### انگلیسی

- Ronald McRae. (1919) **Pocket book of orthopedics and fractures**, Churchill, livingstone, London, United Kingdom.

### تارنما

- <https://www.iranorthoped.com/fa/news/423> Reference Date: 17.2.99,
- <https://www.isna.ir/news/8508>.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني